



کلاف

ضمیمه نوجوان

شماره ۳۸ ■ آذر ۱۳۹۹

نوجوان
کلاف

بحرالعلومان کم عمق!

گاهی خاص بودن هم رنگ و بوی فرهیختگی و باسوادی به خودش می‌گیرد. احتمالاً تجربه مواجهه با افرادی را دارید که در یک جمع علاقه‌مندی شدیدی دارند تا در مورد هر موضوعی که مطرح می‌شود از احتمال برخورد شهاب‌سنگ به ستاره آلفا قنطورس گرفته تا روابط دیپلماسی در شمال قبايل ماسایی دیگران را ساعات متمادی از بیانات ارزشمند خود مستفیض کنند! کلمات مورد علاقه این دایره‌المعارف‌های سخنگو در اکثر مواقع خارجی، قلمبه و سلمبه، ترجیحا بالای ۶ هجا و در ایده‌آل‌ترین حالت ختم شونده به وند محبوب «ایسم» هستند! اگر مدتی پای صحبت این افراد نشستید و چیزی از حرف‌هایشان نفهمیدید اصلاً نگران نشوید چون احتمالاً خودشان هم چیز زیادی از آنها نمی‌فهمند اما چندان اهمیتی هم ندارد چون همان نگاه‌های متعجب حاضران به همراه دهان‌های مستعد برای ورود پشه از شدت باز بودن دقیقاً چیزی است که آنها می‌خواهند: جلب توجه و خاص بودن!



شروع بودن دست به هر کاری می‌زنند

اصل بودن!

وصلوات و استوری‌های به کرات و تیریکات و تخفیفات و تشریفات به م عجب در دسرهایی دارد! آن هم خاص بودن هایی که هر طور نگاهش سخت است اما تحقیقات اخیر نشان داده که با جا ماندن از این رقابت به قول خودمان حتی امتیاز مرحله آخر را هم از دست نمی‌دهیم! مثل پلا همین تاریخ تولد. پس تصمیم گرفتیم تا پاندمی یاهمان همه‌گیری گی برویم.

بُکشید و خوشگلم کنید!

تا به حال به این موضوع فکر کرده بودید که یک موجود دوالی سه بند انگشتی به نام دماغ از کی تا به حال برای خودش آنقدر مهم شده که بعضی‌ها جان و مالشان را در طبق اخلاص چنان در راه از میدان به در کردن این بینوا هزینه می‌کنند که انگار در حین انجام وظایف خطیرش خطایی مرتکب شده یا این که بین این عضو جمتکش و نوع بشر اصولاً یک نوع خصومت شخصی مادرزاد وجود دارد که باید هر طور شده با کم کردن از طول و عرض و ارتفاع این دشمن دیرین جبران شود؟

اما گویا جنگ و جدال‌های آدمیزاد با اعضا و جوارحش به همین چهار تا تکه استخوان و غضروف ختم نمی‌شود و مساله خیلی بنیادی‌تر از این حرفاست مخصوصاً وقتی که پای خاص بودن در میان باشد! بعضی‌ها هستند که به طور سیری ناپذیری تن به تیغ جراحی می‌دهند و هزینه‌های مالی و جانی فراوانی می‌کنند تا خود را شبیه یک شخصیت یا بازیگر یا به شکلی خاص در بیاورند و تمام اندام‌های ریز و درشت خود را به نحو اغراق آمیزی از حالت تعادل خارج کنند. صرف نظر از این که واقعا این کار به زیبایی این افراد کمکی می‌کند یا صرفاً ناشی از عدم اعتماد به نفس است اما یک چیز را خوب نشان می‌دهد: خاص بودن هیچ غایتی ندارد پس در این رقابت با آسایش و آرامش برای همیشه خدا حافظی کنید چون هرگز از آنچه هستید راضی نخواهید شد!

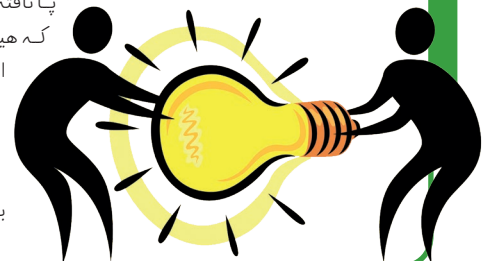


منورالفرهای بی فروغ!

در میان این آشفته بازار خاص بودن، بزرگوارانی هم هستند که برای این منظور ایده‌ی نوآوری‌های مخصوص خود را دارند. امکان ندارد به این عزیزان بگویید روز است و در جانشینان نه خبر به عقیده بنده خیلی هم شب است! یعنی اصولاً اگر ضرب المثل خالف تشهر (مخالفت کن تا مشهور شوی) قرار بود در موجودی متجلی شود مصداق بارزش این عزیزان می‌شدند. اصول کاری این افراد بسیار ساده است: ببین همه چه می‌گویند آن وقت تو حرفی بر خلاف همه حرف‌ها بزن می‌خواهد نظر واقعی‌ات باشد یا نباشد!

گاهی نیز نمود این حالت به این صورت است که این افراد مجدداً تلاش می‌کنند تا با توضیحات کامل و رسم شکل، اثبات کنند از تمامی انسان‌های اطراف و چه بسا نوع بشر تا کنون غمگین‌تر، تنهاتر و غیرقابل درک‌تر هستند و نگاه و خصوصیات منحصر به فردتری دارند. البته این که هر کسی یک سری ویژگی‌های متمایز و عقاید و نوع نگاه مخصوص به خود دارد کاملاً طبیعی است اما اگر کسی اساساً خودش را از فرق سرتا نوک پا تافته جدا بافته‌ای بداند

که هیچ وجه مشترکی با افراد دیگر ندارد با عرض شرمندگی می‌رود جزو دسته خود خاص پنداران بی‌بخار!



خاص‌های حقیقی!

اما در طرف دیگر این طیف کسانی هم هستند که واقعا بی‌مبالغه و تعارف خاص‌اند! نوجوانانی مثل شما که گاه ممکن است در این هیاهوی دیوانه‌وار خاص بودن فراموش کنند که چقدر ویژگی‌های بارزش و استثنایی دارند، ویژگی‌هایی که برخلاف این خاص بودن‌های بی‌خاصیت برای تبدیل جهان به یک جای بهتر برای زندگی شدیداً لازم است، این که می‌توانند صبورتر، پرتلاش‌تر یا با مطالعه‌تری از افراد دیگر باشند؛ مهارت‌های بیشتری یاد بگیرند یا رفتار و افکار سنجیده‌تری داشته باشند.

خاص بودن واقعی چیزی است که آدم را در ذهن و قلب تمام کسانی که با او آشنا می‌شوند ماندگار می‌کند. این خاص‌های واقعی همان‌هایی هستند که از بین هزاران آدمی که دنبال جلب توجه‌های لحظه‌ای به این سو آن سو می‌دوند بلند می‌شوند و یک کار منحصر به فرد درست و حسابی می‌کنند. همان‌هایی که قدرت دارند مسیر زندگی‌های زیادی را عوض کنند. خاص‌اند چون سعی کردند روح بزرگ‌تر و نگاه عمیق‌تری به همه چیز داشته باشند و باور داشتند که در نیایی که همه می‌خواهند خاص باشند خاص‌ترین حالت این است که خودت باشی!



لکسیون خاص‌های بی‌خاصیت!

نگه داشتن نفس در اعماق اقیانوس هند، هزار روپایی با انگشت کوچک در هفت دقیقه، نگه داشتن قاشق روی صورت و جادادن چهارصد نی در دهان!

تلاش برای ثبت نام و نام خانوادگی در کتاب گینس، یکی از عجیب‌ترین موارد در فهرست خاص بودن‌های به هر قیمتی است. واقعا این که کسی ده سال ناخن و موهایش را کوتاه نکند یا امتیاز طولانی‌ترین مدت تحمل زنده به گور شدن را به نام خود ثبت کند و هزاران کار عجیب و بعضاً خطرناک دیگر برای نوشته شدن در یک کتاب انجام دهد چه هنر یا فضیلتی است؟ اما چه باور بکنید یا نکنید همین بیماری جهانی خاص بودن و خصوصاً آرزوی ثبت در گینس تا به حال جان خیلی‌ها را به خطر انداخته است به نحوی که انگار اساساً صبح‌ها انگیزه بیدار شدن این قبیل افراد در این جمله خلاصه می‌شود: «خب یه روز تازه! امروز چه کار احمقانه دیگری

برای خاص بودن داریم؟ (ترجیحا با درد و خونریزی!)» تازه یک نفر هم نیست که بپرسد این کارها چه گلی به سر خود این عزیزان زده که تازه بعضی عزیزان دیگر هم روزانه به هر نحوی پیگیر این اعمال محیرالعقول هستند.

